

سیمای سوره ملک

سوره ملک، آغازین سوره جزء بیست و نهم قرآن کریم است. این سوره از سوره‌های مکی و دارای سی آیه می‌باشد. نام دیگر این سوره، «تبارک» است. «مُلک» و «تبارک»، هر دو برگرفته از آیه اول است و به ترتیب به معنای «فرمانروایی» و «پر برکت» می‌باشند.

محتوای این سوره به طور کلی شامل سه محور زیر است:

۱. مباحثی در مورد مبدأ هستی، صفات خداوند، نظام شگفت‌انگیز خلقت، آفرینش هستی و انسان و ابزارهای انسان برای شناخت.
 ۲. بحث‌هایی درباره معاد، عذاب دوزخ و گفتگوی جهنمیان در قیامت.
 ۳. تهدید کافران و ظالمان به عذاب‌های دنیوی و اخروی.
- در فضیلت این سوره آمده است: قرائت این سوره موجب نجات از عذاب قبر است.^(۱)

۱. تفسیر نورالتقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿ ۲ ﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

مایه خیر و برکت و بلند مرتبه است آن (خدایی) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می‌دهید و اوست عزتمند و آمرزنده.

نکته‌ها:

- علاوه بر این سوره، سوره فرقان نیز با کلمه «تبارک» آغاز شده است.
- «تبارک» از مصدر «برکت» هم به معنای خیر پایدار است و هم به معنای بلند مرتبه ضمناً به محلی که در آن آب جمع می‌شود، «برکه» می‌گویند.
- هدف از آفرینش انسان چیست؟
- پاسخ: قرآن چهار هدف را برای آفرینش انسان بیان کرده است:
- الف) عبادت کردن. در قرآن می‌خوانیم: ما جن وانس را جز برای عبادت نیافریدیم. ﴿و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون﴾^(۱)
- ب) انتخاب راه صواب از ناصواب و رسیدن به رشد و کمال در سایه آزمایش‌های الهی: ﴿خلق الموت و الحیة لیبلوکم﴾
- ج) رحمت بر مردم. قرآن هدف دیگر خلقت را رحمت خاص خداوند بر مردم ذکر می‌کند و

می فرماید: (انسان‌ها) برای آن آفریده شدند که به رحمت خداوند هدایت شوند: ﴿الَّا
من رحم ربِّك و لذلک خلقهم﴾^(۱)

□ کار «حَسَن» و نیک چه شرایطی دارد؟

کار نیک، کاری است که از نظر هدف، زمان، مکان، ضرورت، تداوم، ابزار مورد استفاده، همکاران، بهره‌گیران، استقامت در کار، استحکام، نظم، آینده‌نگری در عمل، اولویت‌های مورد نیاز، نشاط، اعتدال، دقت، سرعت و سلامت کار، مورد سنجش و برنامه ریزی قرار گرفته باشد و به دور از آفت‌های عجب، حبط، ریا و سمعه انجام پذیرد.

□ خداوند متعال هم در دنیا حکومت دارد: ﴿بیده الملك﴾ و هم در آخرت حاکم است. ﴿الملك
یومئذ لله﴾^(۲)

□ خداوند، حاکم یگانه است: ﴿لم یکن له شریک فی الملك﴾^(۳)، ﴿بیده الملك﴾ و حکومت او
همراه با قداست است. ﴿الملك القدوس﴾^(۴)

□ جلوه‌های برکت خداوند هم در تکوین و آفرینش وجود دارد: ﴿تبارک الذی بیده الملك...
خلق الموت و الحیة﴾ و هم در تشریح و قانون‌گذاری. ﴿تبارک الذی نزل الفرقان﴾^(۵)

□ امام صادق علیه السلام ذیل آیه فرمود: مراد عمل بیشتر نیست، بلکه مراد بهترین عمل است و آن
انجام عمل است همراه با خشیت الهی و نیت صادق و نیکوکاری.^(۶)

پیام‌ها:

۱- گرچه قرآن درباره خودش و پیامبری که بر وی نازل شده، کلمه «تبارک» را به
کار برده است، ولی سرچشمه تمام برکات، خداوند و قدرت اوست. ﴿تبارک
الذی بیده الملك و هو علی کلّ شیء قدير﴾

۲- تمام قدرت‌ها و حکومت‌ها از بین رفتنی هستند، تنها حکومت خداوند ابدی
است. ﴿بیده الملك و هو علی کلّ شیء قدير﴾

۱. هود، ۱۱۹. ۲. حج، ۷۶. ۳. فرقان، ۲.
۴. جمعه، ۱. ۵. فرقان، ۱. ۶. کافی، ج ۲، ص ۱۶.

- ۳- حکومت‌های دنیا، جزئی، موقت و محدود است و لذا برکت گسترده‌ای ندارد. ﴿تبارک الَّذی بیده الملك﴾
- ۴- تقدیر مرگ و حیات، جلوه‌ای از حاکمیت مطلق خداوند است. ﴿بیده الملك... خلق الموت و الحیاة﴾
- ۵- حاکمان دنیایی، در همه امور قدرت ندارند، ولی خداوند حاکم و بر همه چیز قادر است. ﴿بیده الملك و هو علی کلّ شیءٍ قَدیر﴾
- ۶- مرگ به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه امری وجودی است که آفریده شده و آن انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است. ﴿خلق الموت﴾
- ۷- آفرینش مرگ، آزمایشی برای ظهور صبر، و آفرینش حیات، آزمایشی برای ظهور شکر است. ﴿خلق الموت و الحیاة لیبلوکم﴾
- ۸- آفریده‌ها همه هدفمندند و هیچ چیز، عبث آفریده نشده است و خداوند انسان را برای تکامل انتخابی آفریده است. ﴿لیبلوکم﴾
- ۹- جوهره انسان در لابلای گرفتاری‌ها و تلخ و شیرینی‌ها روشن می‌شود. ﴿خلق الموت و الحیاة لیبلوکم﴾
- ۱۰- آزمایش الهی برای مشخص شدن علم خداوند نیست، زیرا او همه چیز را از قبل می‌داند؛ بلکه برای آن است که عملی از ما صادر شود. ﴿لیبلوکم ایکم احسن عملاً﴾ (مثل استادی که معلومات شاگردش را می‌داند، ولی او را امتحان می‌کند تا استحقاق نمره شاگرد جلوه کند.)
- ۱۱- ملاک عمل، کیفیت است نه کمیت. ﴿أحسن عملاً﴾ (نه «اکثر عملاً»)
- ۱۲- آزمایش الهی همیشگی و برای همه است. ﴿لیبلوکم﴾ (نشان استمرار است)
- ۱۳- به خوب بودن کار، قانع نباشیم، باید بهترین کار انجام شود. ﴿احسن عملاً﴾
- ۱۴- تنها حکومت و قدرت خدا شکست‌ناپذیر است. ﴿بیده الملك... قَدیر... هو العزیز﴾
- ۱۵- عزت و قدرت خداوند همراه با رأفت و رحمت است. ﴿العزیز الغفور﴾
- ۱۶- از شکست در آزمایش‌های الهی مأیوس نشوید، که او بخشنده است. ﴿الغفور﴾

﴿۳﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ
 مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ﴿۴﴾ ثُمَّ ارْجِعِ
 الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ

همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ خللی نمی بینی. بار دیگر دیده باز کن، آیا هیچ شکافی می بینی؟ باز، پی در پی چشم خود را برگردان (و تماشا کن، خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی گردد (بدون آن که نقص و خللی مشاهده کند).

﴿۵﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
 لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

و همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی زینت دادیم و آن را وسیله راندن شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب فروزان آماده کردیم.

نکته ها:

- «طَبَاق»، یا مصدر «طَبَق» یا جمع «طَبَق» است؛ در صورت اول «سبع سماوات طباقا» به معنای آن است که آسمان ها متناسب و مطابق یکدیگرند و در صورت دوم به معنای آن است که آسمان ها هفت طبقه بر فراز یکدیگرند.
- «تفاوت» از «فوت» به معنای بروز اختلال و ناهماهنگی و «فُطُور» به معنای شکاف از طول است. «حَاسِبًا» به معنای خسته و ناکام و «حَسِيرٌ» به معنای ناتوان است.
- تلخی ها و کمبودها در نزد انسان های سطحی ناگوار به نظر می آید و گرنه محققان به هر چیز با دیده مثبت می نگرند. ترشی و فلفل برای کودک ناگوار است، ولی برای والدین او، ترشی به اندازه مرتباً، ارزشمند است.
- «مصباح» از «صبح»، وسیله ای است که شب را همانند صبح، روشن کند، مانند چراغ.
- در این آیات، سه تعبیر در مورد ستارگان آسمان آمده است. ۱. مصباح و چراغ؛ ۲. زینت و

جلوه: ۳. رجم شیاطین.

□ در آیات هفتم و هشتم سوره صافات خواندیم که شیطان‌ها برای استراق سمع و شنود اخبار آسمان، قصد نفوذ به آن جا را دارند ولی هر بار مورد هدف قرار می‌گیرند و رانده می‌شوند و این گونه ستارگان وسیله حفظ آسمان هستند.

پیام‌ها:

- ۱- نظام آفرینش بر اساس رحمت خداوند است. ﴿فی خلق الرّحمن﴾
- ۲- نظام موجود، نظام احسن است و در نظام آفرینش، هیچ نقص و کمبودی وجود ندارد. ﴿ماتری فی خلق الرّحمن من تفاوت﴾
- ۳- خداشناسی باید بر اساس نظر و دقت باشد، تا ایمان انسان به عظمت هستی و قدرت آفریدگار بیشتر شود. ﴿فارجع البصر... ثم ارجع البصر﴾
- ۴- برای کسب معرفت، یک بار دیدن و نظر کردن کافی نیست. ﴿فارجع البصر... ثم ارجع البصر کرتین﴾ (در این آیه کلمه «تری» دو بار و کلمه «بصر» سه بار همراه با لفظ «کرتین» تکرار شده است.)
- ۵- خداوندی که کار خود را محکم و حکیمانه انجام داده است، از دقت نظر دیگران نگران نیست، بلکه دیگران را به بازدید دعوت می‌کند. ﴿فارجع البصر... ثم ارجع البصر﴾
- ۶- خداوند از آفریدن خسته نمی‌شود: ﴿و ما مسنا من لغوب﴾^(۱) ولی چشم ما از نگاه به آفریده‌های او خسته می‌شود. ﴿یتقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر﴾
- ۷- زینت، یکی از خواسته‌های فطری بشر است. (یکی از نعمت‌های ستارگان، زینت بودن آنها شمرده شده است. ﴿زینا السماء الدنیا﴾
- ۸- آفریده‌های الهی در عین استواری و استحکام، ﴿سبعاً شداداً﴾^(۲) از زینت ویژه‌ای برخوردارند. (در معماری علاوه بر استحکام ساختمان، زیبایی نمای

۱. ق، ۳۸.

۲. نبأ، ۱۲.

بنا نیز باید مورد توجه باشد.) «زینا السماء الدنيا»

۹- آفریده‌های الهی دارای کاربردهای گوناگونی هستند. «مصایح - رجوماً»

۱۰- در برابر دشمن نباید انفعالی برخورد کرد؛ برخورد ما با دشمن باید تهاجمی باشد. «رجوماً للشیاطین»

۱۱- شیاطین به آسمان‌ها نیز طمع دارند. «رجوماً للشیاطین»

۱۲- شیاطین، ضربه پذیرند. «رجوماً للشیاطین»

﴿۶﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۷﴾ إِذَا

أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً وَهِيَ تَفُورُ ﴿۸﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنْ

الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزند عذاب جهنم است که بد بازگشتگاهی است. هنگامی که به دوزخ پرتاب شوند، خروش نابهنجار آن را می‌شنوند در حالی که جوشش و فوران دارد. نزدیک است از شدت خشم، پاره پاره شود، هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان دوزخ از آنان پرسند: آیا هشدار دهنده‌ای به سراغ شما نیامد؟

نکته‌ها:

□ «الْقُوا» از «القاء» به معنای پرتاب شدن بدون اختیار است.

□ «شهیق» به زشت‌ترین و ناخوشایندترین صداها، همچون صدای گوش خراش خران گفته می‌شود. «تفور» از فوران، بیانگر شعله‌های عظیم دوزخ است که می‌جوشد و بالا می‌آید.

□ صدای ناخوشایند «شهیق» از خود دوزخ است، «لها شهیقاً» و اهل دوزخ نیز شهیق دارند، چنانکه در آیه ۱۰۶ سوره هود می‌خوانیم: «لهم فیها زفیر و شهیق»

پیام‌ها:

۱- غضب و غیظ، گاهی به حد انفجار می‌رسد. «تکاد تمیز من الغیظ»

- ۲- دوزخیان، به درون آتش پرتاب می شوند. ﴿الْقَوَا فِيهَا﴾
 ۳- عذاب جهنم، همراه با تحقیر است: ﴿الْقَوَا فِيهَا﴾، گوش خراش است: ﴿سَمِعُوا لَهَا شَهِيْقًا﴾ و همراه با سؤال توبیخ است. ﴿سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتَهَا﴾
 ۴- عذاب الهی بعد از اتمام حجت است. ﴿إِلْمَ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾

﴿۹﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ
 إِن أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿۱۰﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا
 كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۱۱﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا
 لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم:
 خداوند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. و گویند:
 اگر ما (حق را) می شنیدیم یا تعقل می کردیم، در زمره اهل آتش نبودیم. پس به
 گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش باد.

نکته ها:

- در این سه آیه، به سه اعتراف کافران در قیامت اشاره شده است:
- الف) اعتراف به آمدن انبیا و تکذیب آنان. ﴿بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا﴾
- ب) اعتراف به عدم تعقل و استماع سخن حق. ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ﴾
- ج) اعتراف به ارتکاب گناه. ﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ﴾
- در آیه ۲۶ سوره فصلت می خوانیم که مخالفان می گفتند: ﴿لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ﴾ به این قرآن گوش فراندهید ولی در آن روز خواهند گفت: ای کاش گوش می دادیم! ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ﴾

پیام ها:

- ۱- خداوند که هدفش تکامل معنوی انسان است، باید رهبر آسمانی بفرستد و گرنه این هدف عملی نمی شود. ﴿قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ﴾

- ۲- نتیجه انکار عمدی و آگاهانه دین دوزخ است. ﴿الْقَوَا فِيهَا... جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا﴾
- ۳- خلافکار کار خود را توجیه می‌کند. (کافران برای توجیه تکذیب خود می‌گفتند: اصلاً خدا چیزی نازل نکرده است.) ﴿فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ﴾
- ۴- ریشه تکذیب، عدم تعقل است. ﴿كَذَّبْنَا... لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ﴾ (تعالیم اسلام مطابق با عقل است، اگر تعقل می‌کردیم مؤمن می‌شدیم.)
- ۵- عقل واقعی آن است که انسان حق را بشنود، بپذیرد و پیروی کند تا از قهر الهی خود را نجات دهد. ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
- ۶- روحیه لجاجت به جایی می‌رسد که گمراهان، به پیامبران الهی نسبت گمراهی می‌دهند، آنهم گمراهی بزرگ! ﴿إِنَّكُمْ أَنتُمْ فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾
- ۷- اعتراف به گناه در دنیا ممکن است سبب عفو شود، ولی در آخرت هرگز. ﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ... أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
- ۸- کفار در قیامت هم شکنجه جسمی می‌شوند: ﴿أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾، هم شکنجه روحی. ﴿سُحْقاً﴾ (دور بودن از رحمت الهی)

﴿۱۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

﴿۱۳﴾ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

﴿۱۴﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

همانا کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. گفتارتان را پنهان کنید یا آشکار سازید، (تفاوتی ندارد) همانا او به آنچه در سینه هاست آگاه است. آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود) آگاه نیست؟ در حالی که او باریک بین و آگاه است.

نکته‌ها:

- طبق روایتی از تفسیر نورالتقلین امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از لطیف، کوچکی و نازکی نیست، بلکه مراد آن است که علم خدا در اشیا نفوذ دارد ولی درک او از سوی دیگران ممتنع است.

پیام‌ها:

- ۱- در شیوه تربیت باید تویخ بدان و تشویق خوبان در کنار هم باشد تا مورد مقایسه قرار گیرد. (آیات قبل سخن از کیفر دوزخیان بود و این آیه از بهشتیان سخن می‌گوید.) ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ﴾
- ۲- خشیت از خداوند زمانی کارساز است که دائمی باشد. ﴿يَخْشَوْنَ﴾ فعل مضارع و نشانه استمرار است.
- ۳- پاک شدن از گناهان، زمینه دریافت الطاف الهی است. ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاجْرٌ كَبِيرٌ﴾
- ۴- تقوا و خشیت واقعی آن است که انسان در درون خود نیز از خدا پروا داشته باشد، وگرنه تقوای ظاهری، تظاهری بیش نیست. ﴿يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ﴾
- ۵- ریا و نفاق را کنار بگذاریم که خدا به باطن‌ها آگاه است. ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾
- ۶- پنهان بودن، در علم عمیق خداوند، اثری ندارد. او تمام نیت‌ها و راز دل‌ها را می‌داند. ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ («علیم» نشانه علم عمیق و گسترده است.)
- ۷- علم خداوند به مخلوقات، به خاطر خالقیت اوست. (کسی که چیزی را ساخته و آفریده، از حالات آفریده خود آگاه است.) ﴿إِلَّا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ﴾
- ۸- ایمان به علم خداوند، بهترین عامل بازدارنده از نفاق و نمان کاری است. ﴿اسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ... إِيَّا يَعْلَمُ...﴾

﴿ ۱۵ ﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

اوست که زمین را برای شما رام ساخت، پس در شانه‌های آن رفت و آمد کنید و از رزق الهی بخورید (و بدانید که) برانگیخته شدن فقط به سوی اوست.

نکته‌ها:

- «مَنَكِبٌ» به معنای شانه است و شانه بهترین عضو برای قرار گرفتن بار بر روی آن است. شانه زمین، یعنی قسمت‌هایی از زمین که بار رزق شما بر آن است.

□ زمین رام انسان است و با وجود چند نوع حرکت مختلف، آرام است. اگر به طور دائم زمین گرفتار زلزله یا آتشفشان بود، یا فاصله زمین با خورشید دورتر و یا نزدیکتر بود و یا هریک از محاسبات موجود بر زمین حاکم نبود، زمین برای انسان رام نبود. ﴿جعل لكم الارض ذلولاً﴾

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، زمین را رام ساخته تا امکان تلاش و کوشش بشر بر روی آن فراهم باشد. ﴿جعل لكم الارض ذلولاً فامشوا في مناكبها﴾
- ۲- رزق از سوی خداوند است، ولی برای به دست آوردن آن تلاش لازم است. ﴿فامشوا في مناكبها و كلوا من رزقه﴾
- ۳- هستی در حال حرکت و رو به تکامل است: طبیعت برای انسان. ﴿جعل لكم الارض ذلولاً﴾ انسان برای تلاش. ﴿فامشوا في مناكبها﴾ تلاش برای رزق. ﴿كلوا من رزقه﴾ دنیا برای آخرت. ﴿اليه النشور﴾
- ۴- کامیابی‌های دنیا نباید سبب غفلت از قیامت شود. ﴿كلوا... و اليه النشور﴾

﴿ ۱۶ ﴾ ءَأَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ

تَمُورُ ﴿ ۱۷ ﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

فَسَتَّعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

آیا خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می‌دانید، از این که شما را در زمین فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه افتد. یا از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن شده‌اید که تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد. پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است.

نکته‌ها:

□ محتوای این دو آیه، شبیه آیه ۶۵ سوره انعام است که می‌فرماید: به مردم بگو: او قادر است که از آسمان یا زمین بر شما عذابی نازل نماید. ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾

□ «حاصب» به معنای تند بادی است که سنگریزه به همراه دارد.

□ نمونه فرو رفتن در زمین را در آخر سوره قصص درباره قارون می‌خوانیم که می‌فرماید: ﴿فَخَسَفْنَا بِهِ﴾ و نمونه نزول سنگریزه از آسمان را در ماجرای قوم لوط می‌خوانیم که فرمود: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا﴾^(۱)

□ قدرت خداوند در آرامش بخشیدن به زمین، جلوه‌ای از فرمانروایی اوست که در ابتدای سوره خواندیم: ﴿بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۲)

□ احتمال تغییر و دگرگونی در هستی، انسان را از مغرور شدن و تکیه کردن به دنیا نجات می‌دهد. مولوی در مثنوی در این باره شعر زیبایی آورده است:

جمله ذرات زمین و آسمان	لشگر حَقْد گاه امتحان
باد را دیدی که با عادان چه کرد	آب را دیدی که در طوفان چه کرد
آنچه بر فرعون زد آن بحر کین	و آنچه با قارون نمودست این زمین
و آنچه آن بایبل با آن پیل کرد	و آنچه پشه کله نمرود خورد
و آن که سنگ انداخت داودی بدست	گشت سیصد پاره و لشگر شکست
گر بگویم از جمادات جهان	عاقلانہ یاری پیغمبران
مثنوی چندان شود که چهل شتر	گر کشد عاجز شود از بار پر

پیام‌ها:

- ۱- قهر و کیفر خداوند، تنها در قیامت نیست. ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُخْسَفٌ بِكُمُ الْأَرْضِ﴾
- ۲- هیچ کس خود را از قهر خدا در امان نداند و هر لحظه احتمال نزول قهر

هست. ﴿ءامنتم من فی السماء﴾

۳- آسمان، مرکز فرماندهی و تدبیر الهی است. ﴿من فی السماء﴾

۴- آسمان، مرکز مأموران مطیع و تحت امر خداوند است. ﴿من فی السماء﴾

۵- نظام حاکم بر طبیعت با اراده او است و هر لحظه می تواند آن را تغییر دهد.

﴿یخسف بکم الارض﴾

۶- قهر الهی ممکن است از زیر پای انسان باشد و او را در زمین فرو برد. ﴿یخسف

بکم الارض﴾ یا از بالای سر او، از آسمان نازل شود. ﴿یرسل علیکم حصباً﴾

۷- دست خداوند، باز است. هم می تواند از آسمان باران فرستد: ﴿یرسل السماء علیم

مدراراً﴾^(۱) و هم می تواند از آسمان سنگ بیارد. ﴿یرسل علیکم حصباً﴾

۸- تهدیدات الهی را جدی بگیریم. ﴿فستعلمون کیف نذیر﴾

﴿۱۸﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿۱۹﴾ أَوْلَمْ

يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا

الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس (بنگر که) کیفر من

چگونه بود. آیا پرندگانی را که بر فراز آنان، در حالی که بال‌های خود را گسترده

و جمع می‌کنند (و در پروازند) نمی‌بینند؟ هیچ کس جز خداوند رحمن آنها را (در

آسمان) نگاه نمی‌دارد. همانا او به هر چیز بینا است.

نکته‌ها:

▣ پرندگان با دارا بودن حرکات دسته جمعی و طی مسافت‌های طولانی در چهار فصل،

نشستن‌ها و پروازهای متوالی و بدون محدودیت مکانی، اما عدم سقوط و تصادم با

یکدیگر، نشانه‌هایی از عظمت و قدرت الهی هستند.

□ «صاڤات» به صورت اسم فاعل آمده است، یعنی پرنده با بال‌های باز پرواز می‌کند، ولی کلمه «یقبضهنّ» به صورت فعل آمده، زیرا پرنده گاهی بال‌های خود را جمع می‌کند.

پیام‌ها:

۱- تهدیدهای خداوند را جدی بگیریم. (قهر خداوند درباره پیشینیان عملی شده است، قارون به زمین فرو رفت و بر قوم لوط از آسمان سنگریزه بارید. پس شما از تاریخ آنان عبرت بگیرید.) «فکیف کان نکیر»
 ۲- خداوند، پیامبرش را در برابر تکذیب مردم دل‌داری می‌دهد. «لقد کذب الّذین من قبلهم»

۳- تاریخ گذشته، چراغ راه آیندگان است. «کذب الّذین من قبلهم»
 ۴- تکذیب انبیا، رمز قهر الهی است. «کذب... فکیف کان نکیر»
 ۵- ابزارهای مادی شما را مغرور نکند. (گرچه پرنده از طریق بال زدن پرواز می‌کند ولی آنچه او را در هوا نگاه می‌دارد، قدرت خداوند است.) «ما یسکهنّ الّا الرّحمن»

۶- هیچ چیز را برای خدا شریک قرار ندهید. «الّا الرّحمن»
 ۷- نعمت‌های الهی بر اساس رحمت است. «ما یسکهنّ الّا الرّحمن»
 ۸- نظام هستی، زیر نظر خداوند اداره می‌شود. «انه بکلّ شیء بصیر»

﴿۲۰﴾ اَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ اِنَّ
 الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ غُرُوْرٍ ﴿۲۱﴾ اَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ
 رِزْقَهٗ بَلْ لَّجُوْا فِيْ عُتُوٍّ وَنُفُوْرٍ

آیا کیست این کسی که سپاه شماسست و شما را در برابر (قهر) خداوند رحمن یاری می‌دهد؟ کافران جز در فریب نیستند. آیا کیست آن که اگر خداوند رزقش را قطع کند به شما روزی دهد؟ بلکه آنان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجاجت می‌کنند.

نکته‌ها:

□ در آیات قبل سخن از قدرت الهی در زمین و آسمان بود. او می‌تواند به زمین فرمان دهد که کفار را در خود فرو برد، او می‌تواند پرنندگان را در آسمان نگاه دارد و... این آیه عجز و ناتوانی بشر را به رخ او می‌کشد که این انسان با تکیه بر کدام لشگر و با چه حمایتی این همه در برابر خداوند، لجاجت از خود نشان می‌دهد. گویا مشرکان از ناحیه بت‌ها برای خود نیروئی احساس می‌کردند.

□ «غُرور» به معنای فریب دهنده و «غُرور» به معنای فریب است.

□ ابزارهای غرور متفاوتند و عامل آن شیطان است: «لَا يَغْرَتُكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ»^(۱) آرزوهای طولانی و وعده‌های اغفال‌گران وسیله غرورند.

□ در اینجا به عوامل بدبختی انسان اشاره شده است: غرور، لجاجت، سرکشی و فرار از حق. «عُتُوٌّ» به معنای استکبار و تجاوز از حق و «نفور» به معنای اظهار تنفر و گریز از حق است.

□ لجاجت، زمینه سرکشی و طغیان است و سرکشی، زمینه نفرت و فاصله گرفتن از حق.

□ تنها خداوند روزی رسان است. هم در دنیا روزی می‌دهد: «خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ»^(۲) هم در برزخ روزی می‌دهد: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^(۳) هم در قیامت روزی می‌دهد. «يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- فرد مغرور را باید به ضعف‌ها و ناتوانی‌هایش متوجه نمود. «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي...»
- ۲- از ابزارهای غرور، داشتن لشگر و سپاه است. «جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ... الْآ فِي غُرُورٍ»
- ۳- کافران با تکیه بر قدرت‌های پوشالی، گرفتار غرور و فریب می‌شوند. «جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ... ان الكافرون الا في غرور»
- ۴- خداوند مجبور نیست که رزق دهد، بلکه می‌تواند رزق دادن را قطع کند. «ان

۳. آل عمران، ۱۶۹.

۲. روم، ۴۰.

۱. لقمان، ۳۳.

۴. غافر، ۴۰.

امسك رزقه ﴿﴾

۵ - یکی از راههای توجّه به نعمت‌های خداوند، احتمالِ گرفته شدن نعمت‌ها است. ﴿ان امسك رزقه﴾ (در آیه دیگر از همین سوره می‌فرماید: ﴿ان اصبح ماء کم غورا﴾^(۱) اگر آبها به عمق زمین فرو رفته بود و شما به آن دسترسی نداشتید.)

﴿۲۲﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۳﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿۲۴﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي
ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

پس آیا کسی که به رو افتاده راه می‌رود هدایت یافته‌تر است یا کسی که ایستاده بر راه راست می‌رود؟ بگو: اوست کسی که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد اما شما اندکی سپاس می‌گذارید. بگو: اوست کسی که شما را در زمین بیافرید و به سوی او محشور می‌شوید.

نکته‌ها:

- «مُكِبًّا» به معنای کسی است که به رو افتاده باشد و «انشاء» به معنای ایجاد همراه با ابتکار و «ذراً» به معنای آفریدن و تکثیر نسل است.
- در این آیه کافر به کسی تشبیه شده است که به رو بر زمین افتاده باشد و بخواهد افتان و خیزان حرکت کند ولی مؤمن به کسی که راست قامت راه می‌رود، تشبیه شده است.
- «سمع» مصدر است و مفرد و جمع را شامل می‌شود و لذا نیازی به آوردن آن به صورت جمع نیست، بر خلاف «ابصار» و «افئده» که به صورت جمع آمده‌اند.
- کسی که از رو به زمین افتاده، دید ندارد، با زحمت و کند حرکت می‌کند، چون موانع راه را نمی‌بیند دست و صورتش آسیب می‌بیند، دلیل و خوار می‌شود، دیگران می‌روند و او تنها

می ماند، ولی کسی که ایستاده حرکت می کند، عزیز است، تند و سریع می رود، موانع راه را از دور شناسایی و بررسی می کند، لذا سالم می ماند و دیگران نیز با او همراهند.

□ امام باقر علیه السلام فرمود: قلب چهار گونه است، یکی از آنها قلب وارونه است که آن قلب مشرک است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿أَفَن يَمِشِي مَكْبَتًا عَلٰى وَجْهِهِ﴾^(۱)

□ خودشناسی راهی برای خداشناسی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: گوش با استخوان می شنود و چشم با پیه می بیند. ﴿جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْإِبْصَارَ﴾

□ با این که شکر ما در برابر نعمت های خداوند بسیار کم است، ولی خداوند نعمت هایش را از ما نمی گیرد. در دعای ماه رجب می خوانیم: «یا من یعطی الکتیر بالقلیل» ای خدائی که در برابر عمل و شکر کم، عطای بسیار می کنی.

پیام ها:

- ۱- افراد لجوج و حق ستیز و حق گریز، به نوعی مسخ شده اند و به جای حرکت طبیعی مثل خزنده ها حرکت می کنند. ﴿بَل لِّجَوَابِ عُنُوٍّ وَ نُفُورٍ... مُكَبَّاتٌ عَلٰى وَجْهِهِ﴾
- ۲- راه اسلام، هموار و مستقیم و دارای مقصدی روشن است و اگر امت اسلامی بر این راه رود، راست قامت و سرافراز است. ﴿یَمِشِي سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾
- ۳- خلقت انسان بسیار مهم است به گونه ای که پیامبر مأمور می شود مردم را به مبدأ پیدایش و نعمت های نهفته در آن پی در پی هشدار دهد. ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ... قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ﴾
- ۴- آفرینش خداوند ابتکاری است، نه شبیه سازی از روی نمونه قبلی. ﴿أَنْشَأَكُمْ﴾
- ۵ - خدا همه ابزارهای شناخت را به انسان عطا فرمود تا با او اتمام حجت کند. (انسان های عادی تنها می شنوند و می بینند و عبرت می گیرند اما انسان های برتر، مطالبی را از طریق دل دریافت می کنند.) ﴿جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْإِبْصَارَ وَ الْإِفْتِدَاءَ﴾
- ۶- شکر خداوند، تنها با زبان نیست بلکه شکر عملی که همان به کارگیری

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۲۳.

صحيح نعمت‌ها است، لازم است. ﴿قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ﴾
 ۷- کسی که در آغاز خلقت شما را در زمین و از زمین آفرید، قدرت زنده کردن دوباره شما را نیز دارد. ﴿انشأكم، ذرأكم... اليه تحشرون﴾
 ۸- خداوند در دنیا انسان‌ها را در زمین پخش می‌کند و در قیامت آنها را جمع می‌کند. ﴿ذرأكم، تحشرون﴾

﴿۲۵﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۶﴾ قُلْ

إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و (کفار، پیوسته از روی استهزاء) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟ (به آنان) بگو: علم (به زمان قیامت) تنها نزد خداوند است و من تنها بیم‌دهنده آشکارم.

نکته‌ها:

- در قرآن، شش مرتبه جمله، ﴿متی هذا الوعد﴾ از زبان مخالفان آمده است و پیامبر در پاسخ آنان می‌فرمودند: علم به قیامت فقط نزد خدا است.
- علم غیب دو نوع است: نوعی که خداوند به برگزیدگان خود عنایت می‌کند: ﴿تلك من انباء الغيب نوحيها اليك﴾^(۱) یعنی آنچه گفتیم از خبرهای غیبی است که به تو وحی کردیم. و نوعی که فقط مخصوص خداست و حتی انبیای الهی به آن آگاهی ندارند، نظیر علم به زمان برپایی قیامت: ﴿انما العلم عندالله﴾ چنانکه در دعا می‌خوانیم: «بحق علمك الذي استأثرت به لنفسك» به حق آن علمی که برای خود نگاه داشته‌ای.
- ندانستن جزئیات و زمان وقوع قیامت دلیل بر انکار کلیات آن نیست. اگر صدای زنگ در خانه بلند شد و شما کسی را که زنگ می‌زند نمی‌بینید، دلیل آن نیست که بگویید کسی پشت در نیست.

پیام‌ها:

- ۱- کافر به دنبال بهانه است. (سؤال کردن از زمان وقوع قیامت، طفره رفتن از اصل قیامت است). ﴿مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ﴾
- ۲- دشمن از طریق طرح سؤال و تحقیر و استهزا در صدد تضعیف مکتب و رهبر آسمانی است، لذا انبیا را متهم به دروغ‌گویی می‌کنند. ﴿مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ أَن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾
- ۳- هر دانستنی ارزش نیست، (اگر زمان قیامت را بدانیم برای گروهی که به آن زمان نزدیک‌ترند، سبب وحشت و اضطراب و برای گروهی که با آن فاصله طولانی دارند، سبب غفلت و فراموشی می‌شود). ﴿إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۴- رسالت پیامبر اکرم ﷺ خبر دادن از غیب نیست، بلکه هدایت و هشدار است. ﴿إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مِّبَيْنَ﴾
- ۵- سخن پیامبران، روشن و بدون ابهام و پیچیدگی است. ﴿نَذِيرٌ مِّبَيْنَ﴾
- ۶- افراد مغرور و لجوج را باید با شیوه هشدار، ارشاد نمود و بشارت و تشویق درباره این‌گونه افراد کارساز نیست. ﴿نَذِيرٌ مِّبَيْنَ﴾

﴿ ۲۷ ﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

پس چون آن (دوزخ موعود) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند، زشت و گرفته گردد و (به آنها) گفته شود: این است آنچه (در دنیا به عنوان تمسخر) می‌خواستید.

نکته‌ها:

□ «زلفه» به معنای نزدیک است، به سرزمین مشعرالحرام «مزدلفه» می‌گویند چون به مکه نزدیک است.

□ «تدعون» درخواست جدی و باعجله است. در آیه چهاردهم سوره ذاریات می‌خوانیم:

﴿یوم هم علی النار یفتنون ذوقوا فتنتکم هذا الّذی کنتم به تستعجلون﴾^(۱) یادکن روزی را که آنان با آتش شکنجه و عذاب شوند، شکنجه‌تان را بچشید، این همان است که با شتاب خواهان آن بودید و می‌گفتید: ﴿ایان یوم الدّین﴾^(۲)

□ قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف سیمای نیکوکاران و مجرمان در قیامت پرداخته است. درباره نیکوکاران می‌فرماید:

﴿وجوهٌ یومئذٍ مسفرةٌ ضاحکةٌ مستبشرة﴾^(۳) در آن روز صورت‌هایی درخشان و خندان و شادمانند.

﴿وجوهٌ یومئذٍ ناعمة﴾^(۴) صورت‌هایی در آن روز، شاداب و باطراوتند.

﴿تعرف فی وجوههم نضرة النعم﴾^(۵) در چهره‌های آنان خرمی و طراوت را درک می‌کنی.

اما در باره منحرفان و مجرمان می‌فرماید:

﴿وجوهٌ یومئذٍ علیها غبرة ترهقها قترة﴾^(۶) بر صورت‌هایی در آن روز غبار و کدورت است، و سیاهی و تاریکی آن را فرا گرفته است.

﴿وجوهٌ یومئذٍ خاشعة﴾^(۷) چهره‌هایی در آن روز ذلیل و فرو افتاده‌اند.

﴿تلفح وجوههم النار و هم فیها کالحون﴾^(۸) شعله‌های آتش سخت به صورتهایشان می‌وزد

و چهره آنان عبوس و شکسته و دندان‌هایشان به واسطه سوختن لب‌ها نمایان است.

﴿و نحشرهم یوم القیامة علی وجوههم عمیاً و بکماً و صماً﴾^(۹) آنان را در قیامت کور و کر و

لال و بر صورتهایشان محسور می‌کنیم.

﴿وجوهٌ یومئذٍ باسرة﴾^(۱۰) صورتهایی در آن روز به شدت عبوس و درهم کشیده‌اند.

﴿یوم یسحبون فی النار علی وجوههم﴾^(۱۱) روزی که در میان آتش به رو کشیده شوند.

- | | | |
|---------------------|-----------------|------------------|
| ۱. ذاریات، ۱۳ - ۱۴. | ۲. ذاریات، ۱۲. | ۳. عبس، ۳۸ - ۳۹. |
| ۴. غاشیه، ۸. | ۵. مطففین، ۲۴. | ۶. عبس، ۴۰ - ۴۱. |
| ۷. غاشیه، ۲. | ۸. مؤمنون، ۱۰۴. | ۹. اسراء، ۹۷. |
| ۱۰. قیامت، ۲۴. | ۱۱. قمر، ۴۸. | |

پیام‌ها:

- ۱- کفر در دنیا، سبب روسیاهی در آخرت است. «سیت وجوه الذین کفروا...»
- ۲- در قیامت علاوه بر عذاب جسمی، عذاب روحی تحقیر نیز وجود دارد. «هذا الذی کنتم به تدعون»

﴿ ۲۸ ﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي أَلَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ

الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند من و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا بر ما رحم نماید، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟

نکته‌ها:

- در روایات می‌خوانیم که کفار مکه آرزوی مرگ پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان را داشتند. این آیه می‌فرماید و بر فرض که آنان از دنیا بروند، چه کسی شما را از قهر خدا پناه خواهد داد؟ در سوره طور نیز این آرزو مطرح شده است: «ام یقولون شاعر نترس به ریب المنون»^(۱) آنان می‌گویند: محمد شاعری است که برایش حوادث تلخ و مرگ را انتظار می‌کشیم. در آیه ۱۲ سوره فتح نیز این آرزوی کفار مطرح شده است که پیامبر و مؤمنان از جبهه سالم برنگردد. «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول والمؤمنون الی اهلیم»
- می‌گویند کودکی گریز پای، مرگ استادش را از خداوند طلب می‌کرد، پدرش به او گفت: اگر می‌خواهی از درس و بحث خلاصی‌یابی، باید مرگ مرا از خداوند طلب کنی، زیرا اگر معلم تو بمیرد، من تو را نزد معلم دیگری خواهم فرستاد.

پیام‌ها:

- ۱- شیوه احتجاج و گفتگوی با کفار را از وحی یاد بگیریم. «قل ارایتم...»
- ۲- پیامبر امین وحی است. «قل...»، (حتی کلمه «قل» را حذف نمی‌کند.)

- ۳- در شیوه تبلیغ، گاهی حقایق را باید در قالب فرض مطرح کرد. ﴿ان اهلکنی الله﴾
 ۴- کفار، همان گونه که نسبت به شخص پیامبر بغض و کینه دارند، نسبت به پیروان او هم کینه دارند. ﴿اهلکنی الله و من معی﴾
 ۵- مؤمن باید بین بیم و امید زندگی کند. ﴿اهلکنی الله... او رحمن﴾
 ۶- هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند مانع نزول قهر الهی بر کفار شود. ﴿فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم﴾ (شعار بعضی از کافران، ﴿و ما نحن بمعذبین﴾^(۱) بود، یعنی ما گرفتار عذاب نمی شویم ولی قرآن می فرماید آنان به عذاب دچار می شوند.)
 ۷- کسی که برای اولیای خداوند آرزوی درد و هلاکت کند، به عذاب دردناک گرفتار خواهد شد. ﴿عذاب الیم﴾

﴿۲۹﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ اَمَنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾ قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ

بگو: او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده ایم و بر او توکل نموده ایم، پس خواهید دانست، کیست آن که در گمراهی آشکار است. بگو: به من خبر دهید اگر آب (چشمه ها و چاههای) شما در زمین فرورود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد.

نکته ها:

- زمین متشکل از بخش های نفوذپذیر و نفوذناپذیر است. اگر تمام قسمت های آن نفوذناپذیر بود، آبی ذخیره نمی شد و اگر تمام زمین نفوذپذیر بود، زمین به صورت باتلاق در می آمد.
- «غور» به معنای فرورفتن در عمق است و «معین» به معنای آسان و روان است.
- آخرین آیه به منزله تفسیر آیه قبل است. در آیه ۲۹ می فرماید: ﴿قل هو الرحمن﴾ و در آیه

۳۰، نمونه رحمت را آب روان، ذکر می‌کند. در آیه اول می‌فرماید: بر او توکل کردیم و در آیه بعد می‌فرماید: دلیل توکل بر او این است که اگر آب مورد نیاز به زمین فرو رود، هیچ کس نمی‌تواند آن را بیاورد.

□ امام باقر علیه السلام (در تأویل آیه) فرمود: اگر امام شما غایب باشد چه کسی برای شما امام ظاهر می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام را برای شما بگوید؟ «ان اصبح ماء کم غوراً...»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر وظیفه دارد موضع خود را در برابر ناهلان اعلام کند. «قل هو الرحمن»
- ۲- در برابر کفار، دو عامل ایمان و توکل وسیله نجات شماست. «آمنّا... توکلنا»
- ۳- توکل، ثمره ایمان و ملازم آن است. «آمنّا... توکلنا»
- ۴- ایمان به سرچشمه رحمت ارزش دارد نه به بت‌های جامد. «هو الرحمن آمنّا»
- ۵- با توکل بر خداوند، کفار آرزوی خود را به گور خواهند برد. «علیه توکلنا فستعلمون...»
- ۶- پایان کار ملاک است نه آغاز آن. «فستعلمون من هو فی ضلال مبین»
- ۷- ابتدا زیربنای اعتقادی خود را محکم کنید و بعد به تهدید دشمن پردازید. «آمنّا... توکلنا... فستعلمون...»
- ۸- قاطع و استوار سخن گفتن رهبر جامعه اسلامی، سبب دلگرمی خودی‌ها و دلهره بیگانگان می‌شود. «قل هو الرحمن... فستعلمون...»
- ۹- احتمال بروز خطر برای دوری از بی‌تفاوتی و غفلت کافی است. «ان اصبح ماء کم غوراً»
- ۱۰- دست خداوند در تغییر قوانین هستی باز است. «ان اصبح ماء کم غوراً»
«والحمد لله رب العالمین»

۱. تفسیر نورالثقلین.

